

نظاره خلق

ما حبا امتیاز

دكتور عبد الرحمن محمودی
مدیر مسئول
انجمنیر ولی احمد عطاشی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو و -
فارسی نشر میشود

آدرس دفتر
جاده میوند - کابل
نمبر تیلیفون -
آدرس تلگرافی : " خلق "
تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

نامه ملی ادبی - سیاسی و اجتماعی

شماره دوم سال اول پنجمینبه ۱۵ حمل ۱۳۳۰

امنیت چیست و مسئول بد امنی کیست؟
امنیت از نقطه نظر قانون عبارت از تعادل حقیقی در
بین هوا سه گانه دولت یعنی قوه اجرائیه یا کابینه
قوه تقنینیه یعنی شورا ملی و یا پارلمان و قوه
قضائیه یعنی محاکم عدلی است - دیروز جهان مورد
صحنه های خوتین بد امنی قرار گرفته ولی امروز لو
ملیونها عمده اعتصاب نموده و دست از کار میکشند
اثری از بد امنی دیده نمیشود - زیرا دیروز در دنیا
رواج بود که مقدرات خلق را یک فرد و یا چند نفر -
شوکاء با دو لبخوش تمین کرده هر چه میخواستند
اجرا نموده بهر که میلشان بود تاخته مجرم ثابت و
حقیقی را عفو و خادم خلق را مجرم قلمداد و بدار زده
بحقوق هر کس تجاوز - برای هیچکس مشونیتی قایل
نشده - شرف و ناموس و احترام خلق را با زیجه پنداشته
و خود را قعال ما یزید قلم داده و از مسئولیت حساب
خلق و تاریخ و حق باکی نداشتند - اما این سیه روزی
تشدت و سخت گیری - وحشت و تولید خوف - چشم کشیدن
و دهن دو ختنها نتوانست صدای حق را خاموش ساختند
و مجاهدین بشریت را بکلی از بین ببرد .

طوریکه تاریخ شهادت میدهد در هر گوشه کره ارض این
تجربه نتایج تلخ و ننگینی داده و بمرور زمان طرفداران
و حامیان استبداد و زور از بین رفته و با قایل و
فانع گردیدند که نتایج استبداد برای طرفین و خیم و
درد ناک بوده و هیچ فرقه نمیتواند از آن استفاده کند
خلاصه پس از گذشتن قرن ها و تجارب بسیار تلخ و تجاوز
حاکم بر محکوم و از محکوم بر حاکم با لآخره بشری فکر
علاج این درد اساسی افتاده و آخرین نتیجه مشاهدات
بقیه در صفحه ۳

شاغلی حیدر علی " پیکار "
ستاره امید در افق مطبوعات
چندی بود که صدای نشر قانون آزادی مطبوعات و جدوجوشی
در قضای این کشور با ستانی تو لید و اکنون طلوع
جراید نو بنگارنده گی نو یسنده گان با درد و حساس
وطن نور امید و کامیابی را در قضای دلها پیدا و در
بسیاری از محافل مقالات جذاب و دلچسپ شان تفسیر
مجلس است ما که تقریبا از بیست و پنج سال یا بیشتر
بروز نامه های عادی و رسمی خو گرفته بودیم اینک از
مطالعه مضامین زنده و تند روزنامه های جدید لذت
میریم تنها وسیله ما همین روزنامه هاست که توسط
آن درد های قلبی خود را بدون کدام ترس و پرده پوشی
باطلاع عامه رسانیده و برنخهای اجتماعی و اخلاقی
ما مرهم میگذازند و بعد ازین بنشر شکایات ما پرداخته
و صدای ما را بلند میکنند . اظهار مقاصد اخلاقی و -
اجتماعی و بی پرده گفتن نقایص و معایب و ملتفت -
ساختن خلق بخطا کارها یقینا در التیام جراحات
قلبی ما موثر و مفید است - از طرفی همه میدانیم که
مطبوعات آزاد در سیر ترقی و تکامل یک مملکت رول -
مهمی را بازی کرده و یگانه راز پیشرفت ممالک مترقی است
ملتی که فاقد آزادی قلم و مطبوعات است نمیتواند
زود تر بخطا و معایب کار خود ملتفت گردد و لذا بحران
اجتماعی در آن خطه با لآخره طوفان هولناک بد بختی
تولید و همه چیز شانرا بباد میدهد چون روزنامه انگار
و وطن که فعلا با استفاده از آزادی قلم و مطبوعات
داخل دایره مطبوعاتی شده اند امید داریم پاسمی و
کوشش فراوان با هم آهنگی برای ترقی و عظمت این خاک
بقیه در صفحه ۲

شاغلی رحیم غشوری بقیه ستاره امید ..

گردش زمان ... !!

گردش زمان با تحولاتی توأم است که تصور قبلی در آن دشوار است اگر چند صبا قبل فکر و خیال ما پیرامون اجتماعی و اخلاقی برآیند امروز بیاری خدا که اولین این تصور میجر خرید که آیا روزگاری فرا خواهد رسید تا فضای آرزو و امیال بشری ما از غبار و ابرهای مظلّم او هام پاک گردیده و سیر فکر آزاد را در آن مانعی نباشد شاید این تصور در انبوهت جز اندیشه موس و خیال خام مفهوم دیگری نمیداشت اگر تصور میشد بحکم طبیعت و تسلیم لابدی در برابر اقتضای زمان زیست و زندگی مظلّم ما هم تغیر و تحولی خواهد بود شاید مشاهده اضطراب و نا ملایعات مبهمی که در سر تا سر زنده گی ما رخنه کرده و روزنه هم برای فرار دران متصور نبود - این خیال را نیز نقش بر آب میساخت.

مقدس و توده بخواب رفته یا درج مظا مین مفید قدمهای بزرگی پر داشته و به مبارزه با تمام بلبندیها و مفاسد شماره نداء خلق نشر شد منتظریم که دوا ی جدید برای علاج درد و التیام جراحات و اصلاح معایب و نواقص مظلّم او هام پاک گردیده و سیر فکر آزاد را در آن مانعی نباشد شاید این تصور در انبوهت جز اندیشه موس و خیال خام مفهوم دیگری نمیداشت اگر تصور میشد بحکم طبیعت و تسلیم لابدی در برابر اقتضای زمان زیست و زندگی مظلّم ما هم تغیر و تحولی خواهد بود مشاهده اضطراب و نا ملایعات مبهمی که در سر تا سر زنده گی ما رخنه کرده و روزنه هم برای فرار دران متصور نبود - این خیال را نیز نقش بر آب میساخت.

اگر گمان میرفت صبر و حوصله محدود انسان را پیمانده است که تضییق و فشار از حد فزون دران گنجایش ندارد شاید در انبوهت ضجه و ناله ضعیف و نا رسای بیچارگان این تصور و گمان را هم خیال باقی و هوا پیمائی محض از غلط - حق را از باطل - نیک را از بد - رشت را جلوه میداد - ولی علی الرغم اینهمه نا امیدها گردش زمان تحولاتی را با خود در محیط پدید آورد که ابدی چهره زیبا و برآزنده آنرا در آینه خیال جلوه و متناظر نبود - بلی برخلاف اینهمه اضطرابها و بیقراریها اینهمه سید و بندها - اینهمه زور گوئی و زور شنو یها اینهمه ظلم و تعدی با لآخره آه و فریاد بیچاره گان دل آسمان را شکافت و تحولی درین کنف جهان نمودار ساخت که فکر و خیال از تصور و تخیل آن عاجز بود بلی با لآخره زمانه با این گردش سعید و میمون خود بیداری و تکانی در کالبد بیروح و بی فکر بیجان باشندگان این خاکدان دمید که میتوان آنرا آغاز زنده گی نوین و جنبش رکود نا پذیر آینده ابنای این مرز و بوم خواند و بدان ایقان و تسلیم نمود - خوشبختانه که این گردش زمان و این تحول دوران با بیدار شدن کواکب ثلاثه در آسمان ثقافت و طن عزیز نیز توأم بوده اشعه درخشان آنها را المتکده ما را روشن و منور ساخت .

یقینا ازین پس در بر تو این ستاره گان زیبا تاریخترین زوایای زنده گی ما را فروغی نصیب خواهد شد و در محیط حیات نوین سیاه را از سفید راست را از چپ از غلط - حق را از باطل - نیک را از بد - رشت را از زیبا - پاک را از بلید و صالح را از طالع تمیز زمان تحولاتی را با خود در محیط پدید آورد که ابدی چهره زیبا و برآزنده آنرا در آینه خیال جلوه و متناظر نبود - بلی برخلاف اینهمه اضطرابها و بیقراریها اینهمه سید و بندها - اینهمه زور گوئی و زور شنو یها اینهمه ظلم و تعدی با لآخره آه و فریاد بیچاره گان دل آسمان را شکافت و تحولی درین کنف جهان نمودار ساخت که فکر و خیال از تصور و تخیل آن عاجز بود بلی با لآخره زمانه با این گردش سعید و میمون خود بیداری و تکانی در کالبد بیروح و بی فکر بیجان باشندگان این خاکدان دمید که میتوان آنرا آغاز زنده گی نوین و جنبش رکود نا پذیر آینده ابنای این مرز و بوم خواند و بدان ایقان و تسلیم نمود - خوشبختانه که این گردش زمان و این تحول دوران با بیدار شدن کواکب ثلاثه در آسمان ثقافت و طن عزیز نیز توأم بوده اشعه درخشان آنها را المتکده ما را روشن و منور ساخت .

از حاشیه کتاب ملا نصر الدین :
 فاکولته حقوق - موسسه که با گرفتن نام کلمه حق متعلم را ازان تبصیر کند .
 جوانان - و طنخواهان شوخی که باید هم غازی - هم شهید و هم پخانه سلامت ببرند .
 حقوق بشر در یونو - مایه امید و اتکا خلق ولی چیزیکه نمایندگان دولت آنرا مضا کرده ولی بدان نسیان افکنده اند .

مکتوب وارده

شاغلی محمد آصف خان "حصنی"

ادبیات

بعد القاب

قبل ریاست شورا ملی من بیگار را اطلاع داده بودند ولی بنده احتراماً بعرض میرسانم که تقریباً بیست روز اولتر از طرف حکومت بی بی مهرو یکنفر بلوکشر با ۶۰-۱۲ نفر افراد عسکری در قلعه های مواعع زنده بانان - دهخدیدا و غیره بطور محصل ثوری و جبری در خانه آمده و بمنوان - اینکه اعلیحضرت معظم همایونی جهت شکار بر سرک دهخدیاد تردد دارند و سرک قابل ترمیم است نفر بدهید بهمین اساس مردم بیچاره و غریب را از کار و بار او باز مانده بزور لت و کوب مه تیار کردن سرک موظف ساخته و اشخاصی را که کدام مشغولیت و عذری داشتند و از خدمت کردن کنار جوشی میخواستند فی نفر ده اتفانی بنام عوضی بدادن بول مجبور کردند چنانچه از شخص اینجانب که در قریه عبد الصلی زنده بانان سکونت داشتم با چند نفر دیگر بول اخذ نمودند . بر علاوه از طرف تولی انضباط هوا مرکز دو نفر عسکر با یک استعلامیه در قریه های ما رسیده و مینویسند که دیوارهای دریا را از حصه باغ علی مردان الی قوا مرکز دو طرفه که ویران شده ترمیم و آینده آن را محافظت نمایند .

نداء خلق : بیگار از نقطه نظر قانون اساسی ممنوع بوده و هیچکس حق ندارد خلاف قانون بر خلق در اینباره امری نماید - ما عیناً مکتوب شاغلی حصنی را با آنچه و عبارت خودشان نفر نموده و منتظر جوابیم .

بقیه امنیت چیست ..

و تجارب و تفکر بشریت عبارت از تشکیل حکومت خلق و یا دیموکراسیست - پس یک حکومت که توسط خلق یعنی با رای آزاد خلق تشکیل شده و نماینده اکثریت خلق بوده و نظر به قانون دیموکراسی شورا ملی و یا مجلس عوام و کابینه وزیران تشکیل داده و حکومت خود را در نزد خلق مسئول شناخته و خود را مجبور بداند که تمام جریانات و طرز کار و نتیجه کار خود را برای معلومات خلق نشر نماید - ضمن امنیت بوده و برعکس تجا و زیر حقوق مردم و مخالفت با اساسات دیموکراسی - اختناق خلق و تجا و زیر آزادی آنها موجب بدامنی شده و بدبختی بار میآورد - پس مسئول بدامنی در مقابل خلق - تاریخ و حق متجا و زو شوی و گویا حکومتها بوده و اگر حکومتها از قارمول زور و تجا و صرف نظر و خلق را با دیموکراسی آشنا ساخته و بگذارند که مردم آزادانه از حقوق خود دفاع نمایند امنیت قایم و بدامنی معدوم میشود

اشمار شاغلی نباتی که در جلسه افتتاحیه نامه ندا خلق توسط شاغلی استاد یعقوب خان قاسمی و رفقای شان سرانیده شده است :

بیای طبع اعجازیکه من شوری بسر دایم
 بیای سینه فریادی که آتش در جگر دارم
 بیای خامه امدادی که از غم چشم تری دارم
 بیای ناله آوازیکه آهنگ دگر دارم
 بیای اکسیر استغنا برایم بخش تا عبیری
 نیازم خلق را در ناز آورده است تدبیر
 ندانم که پاس اهل دل او تنوع انسان نیست
 و دانم که جهان آدمیت قدر چندان نیست
 شب تاریک دوتیان را بعالم هیچ پایان نیست
 برای پست طبمان دنی یک ذره وجدان نیست
 خدا از راه گمراهی کند ما را از نگهداری
 نمازد هیچگاه ما را دچار ذلت و خواری
 ز کار و سعی مردان در جهان ممتاز میگردد
 میان هم نشینان صاحب اعزاز میگردد
 بروی او در راحت ز هر سویا ز میگردد
 ز محنت دور با بخت و طرب دمساز میگردد
 ندارد شخص صادق یا در گریز یا بوسی را
 بیای هر که از ترس خیانت دیده بوسی را
 رسیدی ! خیر مقدم ! خوش بیدان ای ندا خلق
 شوی مقبول پیران و جوانان ای ندا خلق
 مبارک مقدمت بردوستداران ای ندا خلق
 بود گلهای رنگینت بدامان ای ندا خلق
 بگوش جان و دل دایم ندایت با او باشد
 نهال گلشن زیبا نیست شیرین تر با شد

عجب خان - رجب خان - نه شوه - گله دی در لوده چه د ممنوعه شیاتو جدولونه نه نشر یزی - اوس خودی ز ره بی غمه شوه دا اعلان خودی ولوسته !

رجب خان - رجبیا چه عجب شی اوس یو بل غم بیدا شو مالونو اعلی او ادنی تنگه معلوم شی ؟

عجب خان - وروره دا شو آسانه خیره ده - که د کاندار و ویل چه اعلی توره د ۱۲۰ افغانسی ورکه او که شی و ویل ادنی ده (۴۵) افغانسی ور کسه .

خلق چه میگوید

شاغلی آینه

خرقه پوشان همگی مست گذشتند و گذشت
 همه ما ست که در هر سر بازار بمانند
 کور شدیم و از مفرورهای اینک خا لیکه و کمبود را
 بوجدی پر نماید - چیزی ندیدیم . تبدیلیها و مقرر
 ما برای این نیست که مد عاماش معینه بودجه را کسی
 بگیرد و نامی در راس کار داشته باشد... یعنی تنها
 امضایش نماید و در مجالس سنگین نشینی و سکوت .
 چون کارها برای اهل آن پیش بینی نمیگردد... لهذا
 فتور و رکود و پریشانی را در هر رشته طوری میبینیم
 که ایدا جمع شدن نیست ... طرفه تر اینکه چپن
 تبدیلی جنابها حکار - مرددیگری که نو بتش میرسد
 از نفهمی بر پراکنده گی موجوده افزوده و آنوقت است که
 اجراء و تکمیل سرچیه می رود .

در روزهای سال بیوسته روزنامه ها از نايب الحكومه
 حکام اعلی و غیره کار مندان امر و حکم اخباری نشر
 مینمایند و ما که امور کشور و جامعه خود را در دست
 این کارگردانان عالی بامید و آرزو نگزانییم - با اولع
 و شوق این خبرها را گوش و حظ میبریم ...

خواننده گان گرام نیز در حافظه دارند که در حد نمود
 و بیشتر آن تحت همین دو عنوان درشت "هدایت و رکول"
 و "گفته" آمده ... هدایات شان همانا - در باره تها
 شانی و گاهی اهمیت معارف و گفته از کدام عمارت است
 که موقع تفریحی عصرائه جهت رفع خستگی اعصاب و دماغ
 از کار روزیکه نکرده اند دیدن مینمایند و یا خرابی کدام
 سرك و بیل ... که آبادی آن درك ندارد .

شاید حرف های از قبیل فهرست سرکها و عمرانات عصری
 و مکاتب جدید التاسیس و تربیه اجتماعی و افزونی
 مستحلات و ترفهی و اصلاح در جهات دیگر را بهشت ها
 گرفته و بروی ما زنند... اما محترمانه عرض میگردد...
 آیا در طول این مدت از نقشه نظر سرعت و وقت و آنهم
 در قرن بیست شما آنرا کافی میدانید - و با کارممالك
 همجوار ما قابل مقایسه است؟

عمرانات بزرگ و بارکهای شان را برای فقیر و برهنه و
 بیسواد و مریض که اصلا نشا ط روحی و زندگی ندارند - چه
 می بخشند و این بدان ماند که عمارت دار الفنون اکسفرود
 را در دشت با پر (بگوا) بیاریم و حتی کسی برای تماشا
 آن پیدا نکرده - تا چه رسد به محل و طالب و یا بسر
 برهنه و گرسنه يك طاقه لنگی زری ببندیم .
 شما بمزار شریف بگذرید - نشانه ترفهی و پیشرفت زندگی
 در يك و لایت و آنهم در وهله اول آب - سوکها و برق
 است .. آبش محلول مکروبهای ملاریا - حرتیه - وبا
 بیچش های آمیبی و میکروبی بصورت دندکه انسان و گاو
 و خر دران یکجا حبابه دارند - در سرکهای که جا نب
 اند خوی و میمنه روانست موتر بسه تایر می رود و کامل
 ریگی و خامه - برون که در عدم است ... مردم میگویند
 تبسلی چشمه " شفا " جهت بکار انداختن دستگاه تولید برق -
 خیلی موافق است و آب " مارمل " که در نزدیکی افتاده
 خیلی صهی و گوارا از کما نیکه در مشرفی و هزاره و سایر
 قسمتها در مفاره ها زیسته و پوست حیوانات میپوشند
 حرفی هم نمیزنیم .

چرا در گفته و هدایت و رکول " این فعالیت شما
 شامل نیست و نبوده با تذکرفوق البته خواننده گان در
 موضوع قضا و نخواهند فرمود اما آنچه باز قابل عرض
 است این است که چرا خیر گذاری ما اصل خطابه شانی را
 که هدایتها را احتوا میکند عینا نشر نمی نمایند تا دیده
 شود که گفتار چه بوده ... و نتیجه چه بگمیدانم تا چه
 وقت سنجش و نظم در تکمیل کارها درك ندارد اینک اصلاح
 و ترفهی از کجا شروع گردد هدف و نقشه وجود نداشته و یا
 از طرف کمانیکه اهل آن نیستند طرح گردد؟

شرح اشتراك

- کابل : ۴ افغانی سالانه
- ولایات : ۴۵ دد
- خارج : ۵ دالر دد
- قیمت يك شماره ۵۰ پول

مطبعه : گنتنر شخصی نداء خلق - کابل